

## پیش به سوی برگزاری هر چه باشکوهتر اول ماه مه، روز جهانی کارگر



### سیر پیشرفت جنبش کارگری و احتمال تغییر تاکتیک رژیم!

گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری یکی بعد از دیگری در کارخانه و کارگاه ها، و اعلام موجودیت تشکل های چپ و سوسیالیستی در دانشگاه و مدارس که به شکل جدید و با صراحت کامل تاکید بر فعالیت علنی، عملاً از هفت تپه تا گاوشان و از شیراز تا سنندج را در هم تنیده است، و شرایط و فضای متفاوت و حساس تازه ای را نوید می دهد، که از نیروی های چپ و کمونیست فعالیت و هماهنگی بیشتری می طلبد.

در صفحه ۲



### آزادی محمود صالحی را تبریک می گوئیم!

آزادی محمود صالحی، در آستانه روز جهانی کارگر، اول ماه مه، بزرگترین جشن جنبش کارگری و همبستگی طبقاتی در جهت پیگیری مطالبات و خواست های کارگران و تلاش پیگیر برای آزادی همه زندانیان سیاسی است. مسلماً اول ماه مه، روز جهانی کارگر امسال را باید هر چه باشکوه تر و گسترده تر و طبقاتی تر برگزار کنیم.

در صفحه ۳

### اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت آزادی محمود صالحی

انتشار خبر آزادی محمود صالحی از زندان جمهوری اسلامی ایران موجی از خوشحالی در میان فعالین کارگری و مردم آزادیخواه در ایران و در خارج کشور ایجاد نمود. ما خود را در این شادمانی عمومی شریک می دانیم و آزادی محمود صالحی را به همسر و فرزندان و همه دوستان و همزمانش صمیمانه تبریک می گوئیم.

محمود صالحی برای دومین بار یک سال و اندی از عمر پربار خود را تنها به خاطر دفاع از منافع هم طبقه ای های خود در زندان جمهوری اسلامی به سر برد و هر بار محکومیت ناروای خود را با سربلندی تحمل کرد و دلیرانه بر حقانیت راهی که در پیش گرفته است پای فشرد. محمود با پایداری در مبارزه برای اهداف شریف کارگری و انسانی خود در خارج از زندان و با استقامتی که در سخت ترین شرایط جسمی در درون زندان جمهوری اسلامی از خود نشان داد، بدون شک در جایگاه یکی از شجاع ترین رهبران طبقه کارگر در ایران قرار گرفته است.

ما امیدوار هستیم که این عزیز از بند رهائی یافته هرچه زودتر سلامتی کامل جسمی خود را بازیابد و مانند همیشه در خدمت به طبقه کارگر و در مبارزه برای تامین زندگی اجتماعی بهتر برای هموعان خود موفق باشد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۱۹ فروردین ۱۳۸۷

### جد و جهدهای دوباره حاکمیت در جهت متوقف ساختن جنبش دانشجویی و مبارزات جوانان

ریشه دواندن تفکرات سوسیالیستی در میان جوانان مبارز، و پیکار بدون وقفه و پرشور ایشان علیه نابرابری ها، بی عدالتی ها و لگدمال گشتن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم، بنای تحرک جدید رژیم اسلامی را نهاده است.

در صفحه ۷



### چرا باید دوباره به نقد سرمایه داری دولتی پرداخت؟

ایدئولوژیک پیروز می گردد. بررسی و نقد پایه ای شوروی و بلوک شرق تنها روش مشخص مارکسیستی در شرایط کنونی است که می تواند به صدها سؤال نسل امروز و کارگران مبارز و تشنه حقیقت کمک نماید. پس بیاییم چهره واقعی سرمایه داری را افشا کنیم.

در صفحه ۹

و به دست گیری قدرت توسط طبقه کارگر در جهان جا بزند. طبیعی است اگر واقعیت موجود در تاریخ انقلاب اکبر، برنامه نپ، به قدرت رسیدن جناح راست در حزب کمونیست شوروی، تحلیل رفتن قدرت شوراها و در یک کلام شکست طبقه کارگر شوروی در مبارزه طبقاتی بررسی و به توده ها ارائه نشود، سرمایه داری در این نبرد

نقد شوروی در شرایط کنونی نه تنها "چوب زدن بر مرده" نیست، بلکه به نوعی نقد نظام سرمایه داری خصوصی حاکم در دنیا نیز محسوب می گردد. چرا که در شرایط کنونی امپریالیسم با تکیه بر ضعف حافظه عمومی و با استفاده ماهرانه از تبلیغات سعی می کند تا تجربه شکست خورده شوروی را تنها تجربه تاریخی استقرار سوسیالیسم

بارزان حسن پور

## سیر پیشرفت جنبش کارگری و احتمال تغییر تاکتیک رژیم!

دیگر کارگران در همه عرصه های زندگی و مبارزه برای رفع مشکلاتشان امکان تبدیل شدن آنها را به مبلغ و سخنگوی کارگران بیش از پیش فراهم خواهد کرد. در غیراین صورت و با برخوردی از بالا و نادقیق به کارگران و موعظه و نصیحت کردن، انتقال و گسترش آگاهی سوسیالیستی به میزان و مقیاس مورد نیاز جنبش و مورد نظر ما به داخل مبارزات و زندگی سیاسی اجتماعی طبقه کارگر هرگز ممکن نخواهد بود.

بعنوان نکته آخر در این مبحث، یادآوری و تاکید بر یک نکته دیگر را لازم می دانم که طبقه کارگر ایران در چهارچوب یک نظام سرمایه داری زندگی می کند که زیر سلطه حکومت دیکتاتوری اسلامی اداره می شود، که در آن فقر، بیکاری، گرسنگی، ترس، وحشت از شکنجه و اعدام کماکان بردوش مردم محروم ایران سنگینی می کند. در چنین شرایطی است که طبقه کارگر برای آینده از هر لحاظ بهتری مشغول مبارزه مستمر و بی امان سیاسی و صنفی است. مطالبات کارگران در این مبارزه بسیار وسیع و متنوع است و از میزان ناچیز اضافه دستمزد و کاهش ساعت کار گرفته تا تلاش برای دست یابی به حاکمیت سیاسی را شامل می شود. طبقه کارگر به میزان نیرو و توان مادی و عینی خود که ریشه آن هم در سطح آگاهی سیاسی و تشکل طبقاتی نهفته است، این مطالبات را طرح می کند و جهت دستیابی به آنها مبارزه و فداکاری خواهد کرد.

بنابراین، توجه به مطالبات صنفی کارگران و برسمیت شناختن مشکلات زندگی و معیشت آنها و گوش دادن به نظرات و پیشنهاداتشان در این رابطه امری بسیار جدی است که می تواند در دست یابی به پاسخ درست و مناسب واقعا سوسیالیستی و همچنان مقابله با شرایط جدید و مشکلات پیش رو کمک شایان توجهی به رهبران کارگری بکند. شاید تعدادی از رفقا و دست اندرکاران جنبش کارگری که این قسمت را می خوانند، بنظرشان توضیح واضحی باشد. من هم می پذیرم که اظهار نظر تازه ای نیستند اما یادآوری آنها در این مبحث ضرورت دارد، آنهم نه تنها بخاطر اینکه طبقه کارگر به نیروی خود آزاد می شود و نباید این اصل مهم را هیچ وقت فراموش کرد، بلکه به این منظور که نباید اجازه داد در شرایط کنونی گرایشات غیرسوسیالیستی درون جنبش به عنوان حامی و مدافع کارگرانی که مشکلات زندگی مجال و امکان ارتقا سیاسی را از آنها را سلب کرده است ظاهر شوند. مضافا اینکه همانگونه که قبلا نیز یادآور شدیم که سیاست های سرکوب و فریب تکنونی رژیم اسلامی کارایی و توان رو در روی با جنبش کارگری، که قرار است در آینده نه چندان دور در مقیاس وسیع تر و به شکل علنی تری اعلام موجودیت کند را ندارد، زیرا درخط تماس خطرزدیدن و عبور دادن عاملین رژیم به میان درز و شکاف های هرچند هم کوچک در صفوف کارگران وجود دارد، که ما هم باید آگاهانه و با برنامه برای جلوگیری از اجرای چنین طرح و توطئه های جنایتکارانه ای، که بی تردید موجب پراکندگی هرچه بیشتر در صفوف کارگران می شود تلاش کنیم .

در آینده مکان اصلی برای اجرای چنین نقشه جنگی و درگیری رژیم با جنبش های اجتماعی، بخصوص جنبش کارگری، عرصه و میدان مبارزات علنی توده ای می باشد که محل تلاقی منافع و گرایشات طبقات اجتماعی مختلف است. بدون تردید مقابله با این شیوه بمراتب سخت و دشوارتر از قبل خواهد بود و نیاز بیشتری به برخورد دقیق و صفوف متحد و گسترده تر سیاسی و طبقاتی نیرو های چپ و سوسیالیست دارد. نباید به هیچ وجه اجازه داد اختلافات بر سر نحوه طرح مسایل و مطالبات مبارزاتی مشترک سیاسی و صنفی در درون جنبش کارگری به زمینه ای برای وارد کردن ضربه سنگین و طراحی شده دولت جمهوری اسلامی تبدیل شود. بحث این نیست که باید در برابر گرایشات انحرافی و غیرکارگری موجود در جنبش تسلیم شد، بلکه باید عمیقاً متوجه این مسئله بود که علیرغم پیشرفت ها و تغییراتی مثبت در جنبش کارگری، هنوز هم مبارزه طبقه کارگر ایران در مقابل نظام سرمایه داری به اندازه کافی جایگاه واقعی خود را بدست نیاورده و در سطحی نیست که به هیچ بادی نلرزد. علاوه براینکه اکنون طبقه کارگر ایران از نداشتن تشکل توده ای و سراسری خود رنج می برد، کمبود سنت مبارزاتی و سازمان یابی جا افتاده کارگری و اعمال اراده و نفوذ گاه و بیگاه تفکر روشنفکرمانانه بر گرایش و تمایلات کارگری در سطوح مختلف این جنبش و تشکل های کارگری، گویای این واقعیت بوده است و باید آنرا برسمیت شناخت. باید با درک این واقعیت در جهت رفع نواقص و کمبود های موجود، اقدامات جدی و حساب شده تری از طرف فعالین سوسیالیست و سازماندهندگان جنبش کارگری بعمل آید. البته مبارزه طبقاتی نه هیچ وقت بدون خطر و مشکلات بوده و نه رفع و تخفیف این خطر و مشکلات بدست هیچ مرجع و نهادی جز تلاش و فدا کاری خود کارگران ممکن خواهد بود.

لذا اکنون هم برای مقابله با سیاست و تاکتیک های غیرانسانی و ضدکارگری دولت جمهوری اسلامی، باید به نیروی آگاه و سازمان یافته کارگران متکی شد. تاکید مجدد برای امر لازم است که سازمان یابی طبقه کارگر در صف واحد و تشکل سراسری خود بعنوان قویترین و موثرترین ابزار در این رابطه مشخص امری کاملاً ضروری است و بدون وجود چنین تشکلی ادامه پیشروی و دفاع از دست آوردهای تاکنونی جنبش کارگری نیز طولانی مدت نخواهد بود، زیرا تلاش برای تحمیل حق آزادی تشکل سراسری و کارگری مستقل از دولت به رژیم اسلامی باید بیش از پیش به مشغله اصلی فعالین جنبش کارگری تبدیل شود.

نکته حائز اهمیت دیگر، تلاش آگاهانه، متحد و هماهنگ رهبران چپ و سوسیالیست در جنبش کارگری جهت دست بالا پیداکردن سیاست و فرهنگ سوسیالیستی در این جنبش است. از این طریق می توان و باید کارگران هر چه بیشتری را به منافع استراتژیک و درازمدت خویش آشنا کرد و به تدریج ریشه خطر نفوذ هرگونه فرصت طلبی و توهم و خوش باوری را درمیان آنها خشکاند. اتخاذ سیاست درست و به موقع در لحظات حساس مبارزاتی و حضور صمیمی و مستمر مبلغان کمونیست درکنار

با توجه به اهمیت و جایگاه سیاسی اجتماعی ای که جنبش کارگری ایران بطور کلی و تاریخا داشته است، و همچنین با توجه به تحركات و ظرفیتی که در دوره اخیر از خود نشان داده، فهم و درک این واقعیت را تاحدی برای همه آسان کرده که جنب و جوش کنونی می تواند تاثیرات بسیار مهمی بر سیر آتی رشد و جهت گیری انقلابی دیگر جنبش های اجتماعی در ایران نیز داشته باشد. از این رو، این تغییرات ساده نیست و می تواند به تغییر توازن قوای مبارزاتی بیشتری و به نفع طبقه کارگر در ایران بکار گرفته شود، موجب نگرانی دولت اسلامی شده و آن رژیم را قویا متوجه خود کرده است. تحمیل تشکل های صنفی و توده ای مستقل از دولت و خارج از اراده و اجازه رژیم اسلامی، و جا افتادن نسبی آنها در میان مردم سراسر ایران از طرفی و وجود تمایل و علاقه زیاد نسبت به مبارزه علنی و قانونی در میان کارگران و دیگر اقشار تحت ستم و گسترش کمی و کیفی تعداد و نفوذ رهبران کارگری چپ و سوسیالیست در بطن مبارزات روزمره از طرف دیگر، از جمله نکات مهمی هستند که به نگرانی بسیار بزرگی برای دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی انجامیده است. عملکرد دولت احمدی نژاد در دوره اخیر و چنگ و دندان نشان دادن در مقابل جنبش های اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری نه تنها بی ربط به این مسئله مهم نبوده، بلکه تاکیدی هم بر جدی بودن آن است. گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری یکی بعد از دیگری در کارخانه و کارگاه ها، و اعلام موجودیت تشکل های چپ و سوسیالیستی در دانشگاه و مدارس که به شکل جدید و با صراحت کامل تاکید بر فعالیت علنی، عملا از هفت تبه تا گاووشان و از شیراز تا سنجند را درهم تنیده است و شرایط و فضای متفاوت و حساس تازه ای را نوید می دهد، که از نیروی های چپ و کمونیست فعالیت و هماهنگی بیشتری می طلبد.

قابل پیش بینی است که در چنین شرایطی، رژیم هم علاوه بر ادامه فشار هایی چون اخراج و بیکارسازی کارگران و دستگیری و زندانی کردن رهبران سرشناس و تاثیر گذار در جنبش کارگری، قدم فراتر گذاشته و در فکر برنامه ریزی بسیار دقیق و پیچیده تر جهت پیشبرد سیاست سرکوب جنبش کارگری است.

شکی هم در این نیست که رژیم بعد از تجربه سالها سرکوب و رو در روی های آشکار و پنهان با کارگران و زحمتکشانشان به کم خاصیت شدن این شکل معین از سرکوب در مقابل مبارزات و مقاومت قهرمانانه کارگران و درایت و کاردانی سیاسی طبقاتی رهبران چپ و سوسیالیست پی برده است، و این بار بر سر ایجاد اختلاف و چند دستگی و پراکندگی هرچه بیشتر در صفوف حرکت های اجتماعی بخصوص در جنبش کارگری تمرکز و سرمایه گذاری بیشتری کرده است. از این رو که رژیم در یافته است "شوراها و تشکل های اسلامی" به اصطلاح کارگريش آبرو باخته تر از آن هستند که در این رابطه مورد اتکای دولت باشند، حتما تاکتیک و شیوه کارش را تغییر می دهد. بنابراین ما نیز باید برای مبارزه و رودر رویی با شیوه و شگرد های سرکوبگرانه و ضدکارگری جدید دولت سرمایه داری اسلامی ایران آمادگی بیشتری داشته باشیم .

بهرام رحمانی

## آزادی محمود صالحی را تبریک می‌گوییم!

از ۵۰ نفر را دستگیر کردند که ساعاتی بعد همه دستگیرشدگان، به غیر از ۷ نفر از جمله محمود آزاد شدند. این هفت نفر به زندان سنج انتقال داده شدند. به دنبال واقعه سقز، مبارزه وسیعی در داخل و خارج کشور برای آزادی محمود صالحی و شش همکاری دیگرش راه افتاد و در مدت کوتاهی طبقه کارگر ایران را آن چنان برای طبقه کارگر جهانی شناساند که در شرایط عادی این پروسه شاید سال‌ها طول می‌کشید. بسیاری از سازمان‌های چپ ایرانی که دست روی گذاشته بودند و یا به همه چیز می‌پرداختند غیر از مسایل کارگری، از آن تاریخ فعال‌تر شدند و مسایل کارگری را در



در زندان ننگه داشتند. دلیل این اقدام، ارسال پیام از سوی محمود صالحی برای کسانی بود که در روز همبستگی بین‌المللی با او و سایر کارگران ایرانی شرکت کرده بودند و همچنین پیام به دانشجویان. محمد شریف، وکیل مدافع محمود صالحی، روز هشتم فروردین ماه ضمن ابراز نگرانی از وضعیت جسمی مولکش، به رادیو فردا گفت که برای آقای صالحی، به اتهام ارسال پیام به خارج از زندان، قرار بازداشت جدیدی صادر شده است.

اولویت فعالیت‌های خود قرار دادند. به دنبال دستگیری این ۷ فعال کارگری در راهپیمایی روز جهانی کارگر در شهر سقز، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد یا ICFTU شکایت رسمی خود را به اداره بین‌المللی امور کارگری سازمان ملل متحد یا ILO تحویل داد. این سازمان هم‌چنین از ILO خواست تا با تماس فوری با مقامات ایرانی، آزادی دستگیرشدگان را تضمین کند.

خبرگزاری کار ایران، وابسته به حکومت اسلامی، که خبر شکایت کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد از ایران را منتشر کرده بود، در عین حال به نقل از یک منبع آگاه مدعی شد که افراد دستگیر شده در جریان این تجمع، جزو فعالان قانونی کارگری در ایران نبوده‌اند و احتمال وابستگی برخی از آنها با گروه‌های مخالف نظام نیز وجود دارد.

این در حالی‌ست که به گفته خانم آنا بیوندی، نماینده ICFTU در امور کارگری ایران، به ویژه با دستگیری محمود صالحی و محسن حکیمی که قبل از اول ماه مه با ایشان در تهران دیدار کرده بودند، فعالیت‌های گسترده‌ای را برای آزادی آن‌ها آغاز کرد.

خانم بیوندی که چهار روز پیش و قبل از انتشار خبر بازداشت‌های سقز، ایران را ترک کرده بود، در خصوص علت طرح این شکایت در اداره بین‌المللی امور کارگری سازمان ملل متحد چنین گفته است: «اولاً من باید بگویم که متأسفانه در ایران این‌گونه برخوردها موضوع جدیدی محسوب نمی‌شود و پیش از این در ژانویه سال جاری ICFTU ناگزیر شد که شکایتی را به اداره بین‌المللی امور کارگری سازمان ملل متحد تحویل دهد.»

او اضافه کرد: «در بیست و چهارم ژانویه ۲۰۰۴ در شهر بابک در استان کرمان، در جریان یک اعتصاب در یک کارخانه ذوب مس، ۴ کارگر کشته و تعداد زیادی مجروح شدند. ما از کشته شدن این تعداد کاملاً اطمینان داریم، هر چند منابع دیگر تعداد کشته‌شدگان را بین ۷ تا ۱۵ نفر اعلام کرده‌اند.»

بیوندی، درباره دستگیری‌های سقز افزود: «پیش از دستگیری‌های اخیر من موفق شدم با آقای صالحی صحبت کنم و او توضیح داد که کارگران قصد دارند در روز اول ماه مه راهپیمایی آرامی را

امتناع مقام‌های قوه قضاییه استان کردستان از آزادی صالحی، اعتصاب غذای او را به همراه داشت، که پس از دادن قول آزادی از سوی آنان، وی به اعتصاب غذای خود پایان داد. در پی عدم موافقت مقامات قضایی حکومت اسلامی در کردستان با آزادی محمود، امنستی انترناسیونال، کنفدراسیون‌های کارگری و سازمان‌ها و احزاب چپ و سوسیالیست ایرانی کمپین وسیعی را برای آزادی محمود راه انداخته بودند که خبر آزادی محمود همه فعالین و دست‌اندرکاران این کمپین و اعتراضات سراسری را سرشار از شادی و مصمم‌تر کرد که با مبارزه پیگیر می‌توان دشمن را به زانو درآورد.

کمونیست‌ها و همه نیروهای آزادی‌خواه و برابری طلب مصمم هستند تا روزی که همه زندانیان سیاسی با هر باور و عقیده‌ای در بند شکنجه‌گران حکومت اسلامی اسپرند؛ تا روزی که حکومت سرمایه‌داری اسلامی در حاکمیت است و وظیفه شبانه‌روزی و پیگیر و مداوم خود می‌دانند که با سازمان دهی یک انقلاب اجتماعی و در پیشاپیش همه طبقه کارگر متحد و متشکل و آگاه حکومت اسلامی سرنگون شود و با برپایی حکومت کارگری، جامعه به سوی لنو مالکیت خصوصی و کار مزدی، یعنی در جهت برقراری یک جامعه کاملاً نوین و آزاد و برابر حرکت نماید.

هنگامی که درباره محمود صالحی و مبارزات وی سخن می‌گوییم و یا مطلبی می‌نویسیم، نمی‌توانیم به واقعه تاریخی اول ماه ۱۳۸۳ شهر سقز، که یک نقطه عطف تاریخی مهمی در جنبش کارگری ایران بود اشاره‌ای نکنیم.

نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی، به تجمع روز جهانی کارگر ۱۳۸۳ - مه ۲۰۰۴ شهر سقز یورش بردند و بیش

محمود صالحی، این رهبر جسور و سازش‌ناپذیر جنبش کارگری، پس از تحمل یک سال و چهارده روز زندان، سرانجام ساعت ۳ بعد از ظهر روز یک‌شنبه ۱۸ فروردین - ۶ آوریل ۲۰۰۸، از زندان حکومت اسلامی ایران آزاد شد.

ما آزادی محمود را به خانواده وی، دوستان و همکاران و کارگران کردستان و ایران و مردم آزادی‌خواه، همه تشکل‌های بین‌المللی کارگری و نهادها و احزاب چپ و انسان دوست غرب و همچنین سازمان‌های چپ و کمونیست و آزادی‌خواه ایرانی که برای آزادی محمود تلاش کردند، صمیمانه تبریک می‌گوییم.

محمود صالحی، تنها به دلیل تلاش برای برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه، روز جهانی کارگر، به یک سال زندان تعزیری و سه سال زندان تعلیقی محکوم شده بود.

محمود، از بنیان‌گذاران «انجمن صنفی کارگران خباز شهر سقز» و عضو بنیان‌گذار کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در ایران و سخنگوی این کمیته، در روز ۲۰ فروردین ماه ۱۳۸۶ به فرمانداری این شهر دعوت شد تا در مورد برگزاری روز جهانی کارگر، گفتگو کند، اما در آنجا وی را بازداشت کردند و به زندان مرکزی شهر سنج انتقال دادند تا دوره یک سال زندان خود را به خاطر آنچه که «اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام» نامیده شد، سپری کند.

محمود صالحی، با وجود این که یک کلیه اش از کار افتاده بود و کلیه دومش هم کامل کار نمی‌کرد، طی مدت زندان به دلیل شرایط سختی که مسئولین قضایی حکومت اسلامی به وی تحمیل کرده بودند و حتی از مداوای موثر وی نیز ممانعت به عمل می‌آوردند با عوارض متعددی ناشی از این بیماری کلیه دست و پنجه نرم می‌کرد. اما با تمام این فشارهای جسمی و روحی، با جسارت غیرقابل‌تصور و با روحیه‌ای بسیار قوی در مقابل همه این فشارها با سرافرازی ایستاد و هرگز لحظه‌ای از مبارزه برای آرمان‌های برحق خود و هم‌طبقه‌های‌هایش در زندان نیز کوتاهی نکرد.

در مدتی که این رهبر کارگری در زندان بود، اعتراضات داخلی و بین‌المللی زیادی برای آزادی وی برگزار شد. بیش‌ترین اعتراض‌ها از سوی سازمان‌ها و احزاب چپ و کمونیست و نهادهای دموکراتیک ایرانی مخالف حکومت اسلامی، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل و سازمان عفو بین‌الملل سازمان‌ها و احزاب چپ کشورهای غرب ابراز شد.

در این اعتراض‌ها از جمله با دو روز همبستگی بین‌المللی با محمود صالحی و منصور اسانلو، رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، همراه بود، ده‌ها اتحادیه کارگری در سطح جهان خواستار آزادی این دو چهره سرشناس کارگری و سایر فعالان کارگر زندانی شدند.

با این همه، در شرایطی که دوره یک سال زندان صالحی در چهارم فروردین ماه سال جاری به پایان می‌رسید، مسئولین قوه قضاییه حکومت اسلامی در کردستان، او را

برگزار کنند. آن‌ها برای گرمی داشت روز جهانی کارگر کمیته ای را تشکیل داده بودند. در ملاقات من با آقای صالحی، آقای محسن حکیمی از اعضای سرشناس کانون نویسندگان ایران نیز حضور داشت. حال هر دوی این آقایان توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده اند و ما اطمینان داریم که حداقل ۴ نفر دیگر نیز کماکان در بازداشت بسر می برند که اسامی دو تن از آن‌ها جلال حسینی و محمد عبدی پور است.»

به گفته بیوندی، محمود صالحی، یکی از فعالان شناخته شده کارگری، در سال ۲۰۰۱ نیز به مدت ده ماه بازداشت شده بود و از جمله با تلاش کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد و سازمان عفو بین الملل از زندان رهایی یافته بود. وی در خصوص نحوه بازداشت‌های جدید و شرایط بازداشت‌شدگان به بی.بی.سی، گفت: «مشکل این جاست که این افراد حتی قبل از آغاز راهپیمایی بازداشت شدند. من با همسر آقای حکیمی در تماس بوده‌ام و او گفت که وثیقه ای معادل ۲۵۰ هزار دلار برای همسرش تعیین شده که در ایران مبلغ عظیمی محسوب می شود. خانواده دستگیر شدگان از محل نگهداری آن‌ها اطلاع ندارند، ممکن است آن‌ها را به سنج یا تهران برده باشند. لذا خانواده‌های آن‌ها و ما بسیار نگران هستیم. در نتیجه ما بلافاصله شکایت جدیدی را در اداره بین المللی امور کارگری سازمان ملل متحد ثبت کردیم.»

خانم بیوندی، تاکید کرد: «ما خواستار مداخله بلافاصله ILO برای آزادی این افراد هستیم و هم چنین به عنوان یک اتحادیه کارگری جهانی ما همه کارگران جهان را به اعلام همبستگی با دستگیر شدگان فراخوانده‌ایم تا در این برهه حساس قبل از صدور حکم، نیروهای امنیتی و قضایی ایران فشار جهانی در حمایت از این کارگران بی‌گناه احساس کنند.»

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد یک سازمان بین المللی است که از پیوند ۲۳۳ تشکل کارگری در ۱۵۲ کشور جهان تشکیل شده و ۱۵۰ میلیون کارگر در سراسر جهان عضو تشکل های زیر مجموعه آن هستند. در چنین شرایطی، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری در گزارش سالیانه (۲۰۰۵) خود از ایران به عنوان یکی از خطرناک ترین کشورهای جهان برای اتحادیه های کارگری نام برده است.

این کنفدراسیون که در بروکسل، پایتخت بلژیک استقرار دارد ایران را از لحاظ میزان امنیت اتحادیه های کارگری در ردیف کشورهای کلمبیا، بلاروس، برمه، کامبوج، چین، دومینیکن، هائیتی، نیجریه، فیلیپین، ترکیه، ونزوئلا و زیمبابوه قرار داده و فعالیت در اتحادیه های کارگری را در این کشورها خطرناک دانسته است.

گزارش سالیانه این کنفدراسیون نشان می دهد که فعالیت در اتحادیه های کارگری نسبت به قبل خطرناک تر شده است، تا آن جا که طی سال ۲۰۰۴، ۱۴۵ فعال کارگری در سراسر جهان به قتل رسیده اند، حدود پانصد نفر از آن‌ها تهدید به قتل شده و بیش از هفتصد تن دیگر مورد حمله قرار گرفته اند.

این آمار از لحاظ تعداد کشته شدگان، شانزده مورد نسبت به سال پیش از آن افزایش نشان می دهد. کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری، کلمبیا را خطرناک ترین کشور جهان برای فعالان کارگری

می داند. بنابر گزارش کنفدراسیون، در کشور کلمبیا طی یک سال ۹۹ فعال کارگری به قتل رسیده و صدها تن دیگر از آنان تهدید به قتل شده اند. این کنفدراسیون دولت کلمبیا را مسئول این قتل ها می داند و اعتقاد دارد که دولت از این طریق به دنبال سرکوب جنبش های کارگری است.

در مورد ایران، گزارش کنفدراسیون حاکی از قتل چهار نفر به دست پلیس و بازداشت ده ها نفر و همچنین مواردی از هجوم خانگی و شکنجه در ارتباط با تظاهرات کارگری با انگیزه های صنفی است.

در این گزارش از محمود صالحی، به عنوان یکی از رهبران اتحادیه های کارگری در ایران نام برده شده که چند بار مورد ارباب مسئولان قرار گرفته و همراه با شش تن دیگر از فعالان کارگری متهم به همکاری با گروه های چپ گرایی شده که در ایران غیرقانونی شناخته شده اند...

محمود صالحی دبیر انجمن صنفی نانویان شهر سقز در استان کردستان بوده که طی چند سال اخیر چند بار در پی راه اندازی حرکت های اعتراضی صنفی در این شهر بازداشت شده است و هم اکنون نیز با قرار وثیقه آزاد است و در انتظار حکم دادگاه انقلاب سقز در مورد خود به سر می برد.

وی سال گذشته به مناسبت روز جهانی کارگر (اول ماه مه - دوازدهم اردیبهشت) همراه با چند تن دیگر از فعالان کارگری تجمعی بدون مجوز مراجع قانونی برگزار کرد که محسن حکیمی، عضو کانون نویسندگان ایران نیز در این تجمع سخنرانی کرد.

در حالی که کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری ایران را از جمله کشورهای خطرناک جهان برای فعالان کارگری می داند، انتقاد دیگری که بسیاری از ناظران به سیاستهای حکومت اسلامی در قبال اتحادیه های کارگری وارد می دانند این است که تشکل های صنفی در ایران اغلب به نحوی به حکومت وابسته اند و سندیکاها و اتحادیه های کارگری حتی اگر در قوانین به رسمیت شناخته شده باشند، عملاً امکان فعالیت مستقل ندارند.

با دستگیری مجدد محمود در ۴ فروردین ۱۳۸۶، کمپین های اعتراضی وسیعی برای آزادی وی در داخل و خارج کشور راه افتاد از جمله یک هیات ۱۱ نفره متشکل از نمایندگانی از اتحادیه اروپا، فعالان حقوق کارگران در اروپا و یک نماینده از سازمان ملل متحد، روز جمعه ۱۶ آذر ۱۳۸۶، در تهران با خانواده سه فعال کارگر زندانی و چند تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه دیدار کردند.

این هیات که از نمایندگانی از کشورهای فرانسه، اسپانیا، جمهوری چک، پرتغال و اتریش در آن حضور دارند با همسران محمود صالحی، منصور اسانلو و ابراهیم مددی در دفتر سازمان ملل متحد در تهران دیدار کردند.

نجیبه صالحی، همسر محمود صالحی، درباره این دیدار به رادیو فردا گفت: «اعضای این هیات درباره وضعیت همسران ما، از جمله برخورد مسئولان زندان ها با آنان و وضعیت پرونده قضایی و جسمانی شان سؤال کردند و در ارتباط با سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، از چند عضو هیات مدیره این سندیکا که در دیدار شرکت داشتند نیز پرسش هایی پرسیدند.»

او افزود: «ما وضعیت همسران خود را برای اعضای

هیات اروپایی توضیح دادیم و آنان با ابراز ناراحتی از چگونگی برخورد و رفتار با فعالان کارگر زندانی قول دادند که در دیدار با مقام های ایرانی، این موضوع را مطرح کنند.»

به گفته یکی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، در این دیدار لایبور روچک، رییس این هیات اعزامی از اروپا، گفته است که مقام های ایرانی با درخواست دیدار این هیات با سه فعال کارگری در زندان، مخالفت کرده اند.

پیش از این نیز دو هیات اعزامی فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل و سازمان بین المللی کار خواستار دیدار با رییس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه در زندان شده بودند که با مخالفت مقام های حکومت اسلامی مواجه شد.

بر اساس این گزارش، نمایندگان اتحادیه اروپا گفته اند که این موضوعات را در جلسات پارلمان اروپا مورد بررسی قرار خواهند داد و از اتحادیه اروپا خواهند خواست تا به این موضوعات رسیدگی کند.

خانم صالحی با مثبت و تاثیر گذار بودن این دیدار افزود: «آن‌ها حرف های ما را شنیده اند و از وضعیت همسران زندانی ما آگاهی پیدا کرده اند و از همین رو می توانند آن‌ها را در کشورهای خود منعکس کنند. همین موضوع می تواند بر وضعیت فعالان کارگر زندانی تاثیر زیادی داشته باشد.»

نجیبه صالحی، هم چنین در مورد آخرین وضعیت همسر زندانی اش با انتقاد از اعزام او به بیمارستان با دستبند و پابند گفت: «محمود از یک هفته پیش به طور مرتب تحت درمان قرار دارد و در درمانگاه زندان به سر می برد.»

خبر ورود این هیات به تهران و دیدارهای آن‌ها، در رسانه های داخلی بازتاب نداشته و تنها روزنامه اعتماد ملی در شماره روز شنبه ۱۷ آذرماه ۸۶ خبری کوتاه در این باره منتشر کرده بود.

## همبستگی جهانی

### برای آزادی صالحی و اسانلو

دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، مراسم پنج شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۸۶ و همبستگی اتحادیه های کارگری در جهان با فعالان کارگری در ایران، را فوق العاده خواند.

دیوید کاکرافت، دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، در در گفتگو با رادیو فردا، افزود: «دیروز مشاهده کردیم که کارگران سراسر جهان، به درخواست ما برای کمک به همکاران خود در ایران پاسخ مثبت دادند.»

«گمان می کنم که دولت ایران در حال بررسی حجم بسیار زیاد درخواست ها، ملاقات ها و نامه هایی است که دیروز (پنج شنبه) برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی دریافت کرد.»

کاکرافت، با اشاره به بازداشت چند تن از فعالان کارگری در ایران، گفت: «این اقدام نشان دهنده آن بود که مقام های ایرانی تا چه اندازه نگران عقایدی هستند که با رفتارشان در داخل و خارج از ایران ایجاد کرده اند.»

از سوی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (ITUC) و فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (ITF) روز پنج شنبه نهم اوت ۲۰۰۷، روز جهانی همبستگی با منصور اسانلو و محمود صالحی

اعلام شده بود.

به گزارش دفتر خبری فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل، در بیش از سی کشور جهان در روز اقدام برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی راهپیمایی و مراسم برگزار شد.

طبق این گزارش در ژاپن، بریتانیا، فرانسه، مصر، اندونزی، روسیه، استرالیا، آمریکا، هند، فنلاند، اردن، مالزی، پاکستان، رومانی، سوئد، بلژیک، کانادا، آلمان، نروژ و اسپانیا راهپیمایی‌هایی برگزار شده است.

در اقدام دیگری با نخستین ساعات روز پنجشنبه، ۱۶ اسفند، کارگران ۴۱ کشور در پنج قاره جهان، تظاهرات و مراسم روز همبستگی با کارگران ایرانی را برگزار کردند. اتحادیه‌های کارگری، در پی فراخوان فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، خواستار آزادی و محمود صالحی، منصور اسانلو، رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، شدند.

مراسم روز همبستگی جهانی با کارگران ایران در حالی انجام گرفت که برخی از اتحادیه‌های کارگری از روز چهارشنبه، پنجم مارس ۱۵ اسفند ۱۳۸۶، به استقبال آن رفته بودند. برگزاری تظاهرات در مقابل سفارت حکومت اسلامی در پایتخت اوکراین از جمله این اقدامات در روز چهارشنبه بود.

در روز پنجشنبه، ششم مارس ۲۰۰۸ - ۱۶ اسفند ۱۳۸۶، نخستین مراسم، تظاهرات در ولینگتون، پایتخت نیوزیلند، بود و پس از آن، تظاهرات و مراسم همبستگی با کارگران ایرانی در شهرهایی در استرالیا، فیلیپین، تایوان، تایلند، ژاپن، هندوستان، پاکستان، اندونزی، هنگ کنگ، عراق، لبنان، کرانه باختری رود اردن، الجزایر، تونس، اتیوپی، مراکش، آلمان، سوئد، بریتانیا و کانادا برگزار شد.

خانم سوانگ تونگ ووراچت، از فعالان کارگری در تایلند، در مورد مراسم روز همبستگی جهانی با کارگران ایران به رادیو فردا گفت: «ما نمایندگان اتحادیه‌های کارگری تایلند، برای انجام تظاهرات به مقابل سفارت ایران در بانکوک رفتیم تا خواستار آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی شویم. پس از تظاهرات نیز نامه‌ای کتبی در این مورد تسلیم نماینده سفارت کردیم.»

وی افزود: «ما اعلامیه‌هایی را با مضمون درخواست برای آزادی این دو فعال کارگری از زندان‌های ایران در ایستگاه‌های وسایل حمل و نقل عمومی در میان مردم توزیع کردیم.»

شیوا بوپال لیشرا، از فعالان سندیکایی در هندوستان، به رادیو فردا گفت: «مقام‌های ایرانی باید به واکنش کارگران بخش حمل و نقل در جهان توجه داشته باشند و منصور اسانلو و سایر فعالان کارگر زندانی را آزاد کنند.»

او تاکید کرد که فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل و همچنین اتحادیه‌های کارگری هندوستان در کنار برادران زندانی خود در ایران ایستاده‌اند.»

خواسته دیگر اعضای اتحادیه‌های کارگری ۴۱ کشور، آزادی تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری در ایران بوده است.

در همین زمینه، بازرسان این سازمان کارگری با حضور در کشتی‌های ایرانی که در بنادر کشورهای استرالیا، بلژیک، استونی، فرانسه، انگلیس، هند، کره و تایوان پهلو گرفته‌اند، با کارکنان ایرانی این کشتی‌ها به گفتگو نشستند.

از سوی دیگر فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری و

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه مشترکی همبستگی خود را با کارگران ایران اعلام کردند. این بیانیه به مناسبت روز ششم مارس ۲۰۰۸، روز همبستگی جهانی با کارگران ایران منتشر شد.

این سه سازمان بین‌المللی کارگری و حقوق بشری در بیانیه مشترک خود تحت عنوان «پیام همبستگی با کارگران ایران»، نوشته‌اند: «امروز، در سراسر جهان، هزاران کارگر و شهروند، با صدای رسا خواستار آزادی سریع و بی قید شرط منصور اسانلو و محمود صالحی و هم چنین به رسمیت شناخته شدن حقوق کارگران هستند.»

در بیانیه فدراسیون

جهانی کارگران

حمل و نقل،

کنفدراسیون

بین‌المللی

اتحادیه‌های آزاد

کارگری و سازمان

عفو بین‌الملل با

اشاره به برنامه‌های

متعدد اتحادیه

های کارگری در

۴۱ کشور از پنج قاره از احکام زندان فعالان کارگر

ابراز تاسف شده و آمده است که «این فعالان کارگری

تهدیدی علیه امنیت ملی به شمار نمی‌روند.»

این سازمان‌های کارگری و حقوق بشری اعلام کرده‌اند که تظاهرات و اعتراضات ششم مارس، پایان کار نخواهد بود و مبارزه برای آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو و به رسمیت شناخته شدن حقوق کارگران برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری ادامه خواهد یافت.

سازمان عفو بین‌الملل نیز با انتشار اطلاعیه جداگانه‌ای در خصوص منصور اسانلو و محمود صالحی نوشت: «این دو فعال کارگر به دلیل فعالیت‌هایشان برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری از سوی کارگران زندانی شده‌اند.»

این سازمان، در اطلاعیه خود نوشته است که همراه با فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل و کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری نگران رفتار خشونت‌بار علیه فعالان کارگری در ایران هستند و در عین حال از بدرفتاری و یا بازداشت همکاران آقایان اسانلو و صالحی انتقاد کرد.

بر اساس این بیانیه، آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی به تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری کمک خواهد کرد. سازمان عفو بین‌الملل همچنین ابراز امیدواری کرد که انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران بتواند به تجدیدنظر در قانون کار و ارتقاء آن در سطح معیارهای مورد نظر سازمان بین‌المللی کار، آی ال او، منجر شود.

تاکید به این مسأله ضروری است که رهبری کنفدراسیون‌های بین‌المللی کارگری در دست‌گیری رفرمیستی و سندیکالیستی و عمدتاً تحت تأثیر احزاب سوسیال‌دمکرات هستند. به همین دلیل، این تشکل‌ها کم‌تر و به ندرت وارد عرصه مبارزه رادیکالی در دفاع از مطالبات کارگران کشورهای خود و یا در سطح بین‌المللی می‌شوند. اما بخش‌هایی از این اتحادیه‌ها به خصوص اتحادیه‌های محلی نسبت به رهبری سراسری، رادیکال عمل می‌کنند. اما با این وجود مراجعه به این تشکل‌های کارگری و



خواست حمایت آن‌ها از مبارزات کارگران ایران، به لحاظ سیاسی نه تنها کار خطایی نیست، بلکه اصولی هم هست. تلاش تاکنونی این تشکل‌ها و اعتراض آن‌ها در آزادی محمود و جلب پشتیبانی از مبارزات کارگران ایران بسیار موثر بوده است.

فابیو آماتو، از اعضای هیئت رئیسه حزب چپ اروپا، متشکل از ۲۷ حزب کمونیست و چپ اروپا که در سال ۲۰۰۳ تشکیل شده است، با ابراز همبستگی با نیروهای دموکراتیک در ایران، به رادیو فردا گفته است: «ما آنچه را که در ایران روی می‌دهد دنبال می‌کنیم و از این موضوع آگاهیم که مبارزه برای اصلاحات و هم چنین اعتصابات کارگری جریان دارد. من امیدوارم جنبش دموکراتیک در ایران بتواند رشد یابد و دگرگونی‌هایی را به وجود آورد. ما خواستار آزادی زندانیان سیاسی، آزادی برگزاری گردهمایی و اعتصاب در ایران هستیم.»

آقای آماتو، در خصوص اجرای حکم شلاق برای پنج کارگر در شهر سنج، چنین اظهار نظر کرد: «ما عمیقاً هر گونه فشار از سوی حکومت ایران را که روزانه بر مردم این کشور اعمال می‌شود محکوم می‌کنیم. منظورم اعمال فشار بر کارگران و دانشجویان و اعمال خلاف حقوق بشر است.»

### تجمع در مقابل زندان سنندج

بنا به گزارش شورای همکاری تشکل‌ها و فعالین کارگری، محمود در زندان به اعتصاب غذای خشک دست زده بود. با گذشت ۷ روز از اعتصاب غذای خشک محمود صالحی که در اعتراض به صدور حکم بازداشت موقت از سوی دادستانی سنندج تصمیم به آن گرفت و در پاسخ به دعوت «کمیته دفاع از محمود صالحی»، روز یکشنبه ۴ فروردین تجمعی اعتراضی با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از فعالین کارگری که بعضاً به همراه خانواده‌های‌شان، از شهرهای سقز، بوکان، اشنویه، مریوان، پاره، رشت، کرج و تهران، آمده بودند در مقابل زندان سنندج صورت گرفت. در این تجمع که از ساعت ۸ صبح شروع شد، تجمع‌کنندگان خواهان آزادی بی‌قید و شرط محمود شدند. حاضرین که به شدت از وضعیت جسمانی محمود نگران بودند، خواهان ملاقات نجیبه صالح زاده با همسرش بودند. آنان مصرأ از همسر محمود می‌خواستند که پیام آنان را مبنی بر شکستن اعتصاب غذا به گوش محمود برساند. به گفته نجیبه صالح‌زاده، محمود هر روز یک بار با خانواده‌اش تماس تلفنی داشته است، اما در دو روز اخیر هیچ تماسی با وی نگرفته است و این نشان می‌دهد که حال محمود که این بار عمدتاً به خاطر اعتصاب غذای خشک می‌باشد، رو به وخامت گذارده است. در طول تجمع مسئولین زندان و نیروی انتظامی در هراس از ادامه تجمع به نجیبه گفتند که به شرطی که به تجمع تان پایان دهید، اجازه ملاقات می‌دهیم که حاضرین با شنیدن این حرف تا حدی از زندان سنندج فاصله گرفتند، تا نجیبه بتواند با محمود ملاقات کند، اما بعداً معلوم شد این وعده دروغی بیش نبوده است. با آشکار شدن این که ملاقاتی در کار نیست، شرکت‌کنندگان در تجمع که به شدت از چنین ترفندی ناراحت بودند، مجدداً به حضور خود در مقابل زندان ادامه دادند. در ادامه تجمع قریشی، یکی از مسئولان زندان به نجیبه صالح‌زاده گفت: برای انجام ملاقات



ایران تبدیل گردید. بدین ترتیب، با دستگیری محمود در سال گذشته و به دنبال آن، دستگیری منصور اسانلو، رییس سندیکای شرکت واحد، شلاق زدن جانیناه کارگران در سندج به دلیل شرکت در مراسم اول ماه مه، تلاش برای ترور یک فعال کارگری در کردستان و حمله به تجمعات کارگران و دستگیری سازمان دهندگان این اعتصابات و از سوی دیگر بیکارسازی ها وسیع و گرانی و تورم افسار گسیخته به ویژه در سال گذشته، سال سختی برای همه مزدبگیران بود.

بدین ترتیب محمود صالحی، با مبارزه پیگیر نجیبه صالح زاده همسر و سامرند فرزند ۱۷ ساله وی و دوستان و هم طبقه ای هایش در داخل و خارج کشور و پس از اعتراض های فراوان از زندان آزاد شده است. روز یکشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۸۷ به عنوان یک روز تاریخی و فراموش نشدنی برای طبقه کارگران ایران ثبت شده است. سامرند پس از گذشت یک ساعت از ورود محمود صالحی به خانه در مورد حاضران به رسانه ای گفته است: «بیش از ۳۰۰ نفر هم اکنون این جا هستند و بیش تر آنان هم از فعالان کارگری هستند. با وجود این که خیلی از مردم اطلاعی ندارند، ولی یک سری از آن ها آمده اند و لحظه به لحظه هم بیشتر می شوند.»

آنچه که اشاره کردیم فقط چکیده و نمونه هایی کلی از مبارزات داخل و خارج کشور برای آزادی محمود صالحی و حمایت و پشتیبانی از جنبش کارگری ایران است. محمود، چه در آزادی و چه در شرایط سخت زندان عملا نشان داده است که ویژگی های یک رهبر دلسوز و جسور کارگری را دارا بوده و شایسته بهترین قهرمانی هاست!

**آزادی محمود صالحی، در آستانه روز جهانی کارگر، اول ماه مه، بزرگ ترین جشن جنبش کارگری و همبستگی طبقاتی در جهت پیگیری مطالبات و خواست های کارگران و تلاش پیگیر برای آزادی همه زندانیان سیاسی است. مسلمانان اول ماه مه، روز جهانی کارگر امسال را باید هر چه با شکوه تر و گسترده تر و طبقاتی تر برگزار کنیم.**



قرائت آن توسط یکی از حاضرین در میان جمعیت خوانده شد و توسط نجیبه صالح زاده تسلیم دادستانی شد. پس از رفتن نجیبه به داخل ساختمان دادگستری، شورایی در بین حاضرین شکل گرفت، این شورا پس از بحث و بررسی در مورد ادامه تجمع، نتیجه مشورت خود را به صورت پیشنهاد به سایرین ابلاغ کرد، در این پیشنهاد ضمن تاکید بر ادامه تجمع، از جمعیت خواسته شد، برای پیشگیری از هر گونه حادثه و برخوردی از سوی پلیس و با تاکید بر ادامه تجمع در روزهای آینده، تا ساعت ۱، به تجمع پایان داده شود. ضمناً در آخرین تماسی که سوی نهادهای امنیتی با سامرند صالحی داشتند، به وی گفته شد، امروز ملاقات با محمود صالحی انجام خواهد گرفت و هم چنین تا روز چهارشنبه تکلیف بازداشت موقت وی مشخص خواهد شد. این تماس به نحوی حاوی این پیام نیز بود که به احتمال قوی محمود صالحی تا روز چهارشنبه آزاد خواهد شد. بدین شکل تجمع امروز، همراه با شادی و کف زدن هایی که نوید یک پیروزی شیرین برای جنبش کارگری و خانواده صالحی بود، در ساعت یک بعد از ظهر پایان یافت.

هم چنین در بسیاری از کشورها و شهرهای اروپایی، اسکانندیناوی، استرالیا و کانادا، از سوی سازمان ها و احزاب سیاسی چپ و کمونیست و نهادهای دمکراتیک ایرانی با حمایت و پشتیبانی تشکل های کارگری و نیروهای چپ و سوسیالیست این کشورها کمپین گسترده ای با تحصن و راهپیمایی و غیره در جریان بود که خبر خوش آزادی محمود به خارج رسید. این مراسم ها به نوعی به جشن و سرور و همبستگی با محمود و خانواده اش و طبقه کارگر



می بایست قاضی دستور آن را صادر کند، براین اساس برادر محمود به سراغ قاضی کشیک رفت ولی جواب قانع کننده ای نگرفت. همسر محمود در گفتگو با سرهنگ مرادی، یکی از مسئولان نیروی انتظامی، خواهان ملاقات با محمود شد، وی گفت، تلاش خواهد کرد که این ملاقات انجام گیرد. نجیبه در سخنانی خطاب به حاضرین گفت: این اتهام واهی که به خاطر آن محمود مجبور است مدت نامعلوم دیگری در زندان بماند، صرفاً در هراس از برگزاری اول ماه مه صورت گرفته است، وی در ادامه با تاکید بر این که برای من دیگر فعالین کارگری و دانشجویان فرقی با محمود ندارند، اظهار داشت ما نباید در مقابل دستگیری هر فعال کارگری و یا هر فعال دیگری سکوت کنیم. تجمع امروز در حالی که با حضور افراد یگان ویژه نیروی انتظامی و لباس شخصی ها، از حاضرین فیلمبرداری می کردند، همراه بود، بدون هر گونه درگیری پایان یافت.

تجمع اعتراضی روز ۱۳۸۷/۱/۵ در ادامه تحصن معترضین به صدور بازداشت موقت محمود صالحی از ساعت ۱۰ صبح در مقابل دادگستری سندج با شرکت بیش از ۱۷۰ نفر از فعالین کارگری و خانواده هایشان برگزار شد. در آن تجمع ابتدا نجیبه صالح زاده، برای پیگیری پرونده محمود صالحی به قاضی که حکم اخیر همسرش را صادر کرده بود مراجعه کرد.

در ادامه خانواده محمود و هم چنین معترضین به این نتیجه رسیدند که هدف اصلی مسئولین امنیتی متفرق کردن جمعیت حاضر است و نه رسیدگی به پرونده محمود. از این رو، با دعوت نجیبه صالح زاده، جمعیت حاضر به صورت متمرکز اقدام به نشستن در مقابل ساختمان دادگستری کردند. در این میان از سوی دادستانی، اداره اطلاعات، و پلیس حاضر در میدان با نجیبه و فرزندش سامرند تماس گرفته می شد، آنان خواهان این بودند که به تجمع پایان داده شود، در غیر این صورت از سوی پلیس با حاضرین برخورد صورت می گیرد. نجیبه به پلیس گوشزد کرد، اگر چنانچه یک مو از سر معترضین کم شود، چندین برابر این جمعیت در روزهای آینده در این جا مستقر خواهند بود، وی هم چنین به پلیس خاطر نشان کرد، این جمعیت از روز ۴ فروردین که قرار بود روز آزادی محمود باشد، از تهران و دیگر شهرها برای استقبال از آزادی یک فعال کارگری به این جا آمده اند. در ادامه تحصن، نامه ای از سوی خانواده محمود صالحی تنظیم و پس از

## آزادی محمود صالحی را تیریک می گوئیم!

شهامتی بی نظیر و با روحیه ای بسیار قوی ایستادگی کرد و لحظه ای از مبارزه برای آرمان های برحق خود و هم طبقه ای هایش در زندان نیز کوتاهی نکرد. ما، آزادی این رهبر جسور و شایسته جنبش کارگری را به خانواده مبارز ایشان، به طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در سراسر ایران و به همه نهادهای کارگری و سازمان های چپ و انسان دوست که در داخل کشور و سطح بین المللی برای آزادی وی تلاش کردند، تبریک می گوئیم و برای محمود صالحی عزیز، در همه عرصه های زندگی و مبارزه طبقاتی آرزوی موفقیت و تندرستی می نمائیم. آزادی محمود صالحی دستاوردی بزرگ و ارزشمند برای طبقه کارگر و همه مدافعان حقوق کارگری در ابعاد جهانی می باشد.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران  
۱۸ فروردین ۱۳۸۷ - ۶ آوریل ۲۰۰۸



محمود صالحی، این رهبر دلسوز و سازش ناپذیر جنبش کارگری ایران، پس از تحمل یک سال و چهارده روز زندان، سرانجام ساعت ۳ بعد از ظهر امروز یکشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۸۷ - ۶ آوریل ۲۰۰۸، از زندان جمهوری اسلامی آزاد شد.

محمود صالحی، به دلیل تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر به یک سال زندان تعزیری و سه سال زندان تعلیقی محکوم شده بود، روز دوشنبه ۲۰ فروردین ماه سال ۱۳۸۶ در محل کارش در شهر سقز بازداشت و دوره محکومیت یک ساله خود را در زندان مرکزی سندج گذراند.

محمود صالحی، با وجود این که سخت بیمار و از ناراحتی شدید کلیه رنج می برد، طی مدت زندان به دلیل شرایط سختی که حکومت اسلامی به وی تحمیل کرده بود و به دلیل جلوگیری از مداوای موثر وی، با عوارض متعددی ناشی از بیماری کلیه دست و پنجه نرم می کرد، اما با تمام این مصائب و مشکلات و فشارهای جسمی و روحی، با

فرشید شگری

## جد و جبهه‌های دوباره حاکمیت در جهت متوقف ساختن جنبش دانشجویی و مبارزات جوانان

و میهوت گشته اند و مدام ناسزا و نفرین بار خود می کنند».

بدین گونه متولیان دستگاه بورژوا-اسلامی با استفاده از اهرم سرکوب اعتراضات توده ای، در پیش گرفتن شعار مضحک مردم سالاری دینی یا حيله برسمیت شناختن عقاید مختلف در زمان خاتمی، ادعای پوچ مستضعف پناهی احمدی نژاد، و بده و بستان های مخفیانه با دول امپریالیستی، موقتا پایه های حکومت اشان را «علی رغم شکست برنامه های اصلاح طلبان توسط گرایش سوسیالیستی جامعه و پایداری کم نظیر جنبش ها در برابر درندگی دولت اصولگرایان» از فرو ریزی حفظ کرده اند که حقا مستبدین و دیکتاتورهای دنیای امروز بایستی از این جرثومه ها درس بیاموزند.

توضیح سبک و سیاق اینان در حفاظت از حاکمیت خود، در واقع انگشت نهادن بر سیاست تازه رژیم در مصاف با جنبش دانشجویان و جوانان است. تردیدی نیست طرح هایی هم برای جنبش های کارگری و زنان در دست تهیه دارند. در گردهمایی دانشگاه علوم اجتماعی یک سری مقالات تحقیقی با عناوین پیراسته به واژگان دهن پرکنی از قبیل «جوانان، شناخت و زناشویی»، «تغییر الگوی مصرف مواد مخدر و سبک زندگی جوانان»، «جوانان و حاشیه نشینی»، «ازدواج موقت و بحران جنسی جوانان»، «روابط بین نسلی»، «امتزاج فرهنگ و دینداری عامه با زندگی شهری»، «کارکردهای جامعه شناختی زبان مخفی



در قشر جوان « و چند مقاله با سر فصل های دیگر بسمع حاضران رسانیده بودند.

از خود این سرفصل ها پیداست، ظاهرا اهم محورهای کار مطالعاتی جامعه شناسان «موافق با سیستم» اشتغال، ازدواج، اعتیاد و مسکن است. گرچه این محققین مدعی رویکردی غیر مذهبی و مدرن به مشکلات جوانان هستند، اما نیت آنان از این مطالعات، یافتن پاسخ هایی به معضلات عینی و ذهنی این قشر «در دایره قوانین حکومتی و نه بیرون از چارچوب اخلاقیات دینی، عرف، سنن رایج و نظم اقتصادی-سیاسی» موجود در کشور است که باعث آستن شدن، زایش و تکثیر تمامی آسیب های اجتماعی شناخته شده در جامعه ایران گردیده اند.

باید پرسید، از چه سبب حکومتی که حدود سی سال پاسخ مطالبات انسانی و طبیعی چند نسل از جوانان را با وحشیگری لجام گسیخته داده، یک شبه بفکر برطرف نمودن گرفتاریهای جوانان افتاده است؟! کدام عقل سلیمی می تواند قبول کند این آقایان بعد از چند دهه حالا متوجه دردها و محنت های میلیون ها جوان کارگر، بیکار، دانش آموز و دانشجو گردیده اند آنهم در حالیکه هنوز بیش از چند ماه از سرکوب و دستگیری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاههای تهران

ضد بشری ایران، رژیم سیاسی و سران جنایت پیشه آن حسابگر، دوراندیش و پخته اند وگر نه تا بحال بساط ستمگری و استبدادشان از روی زمین برچیده شده بود و آثاری از آن باقی نمی ماند. با آنکه از یک طرف ناتوانی در برآورد ساختن منافع کل طبقه بورژوازی ایران که به پدید آمدن جناح های درون حکومتی «در شکل و قواره های گوناگون» انجامید، حکومت را از یکدست بودن خارج و اپوزیسیون راست «قانونی و در تبعید» را بدلیل همین کارکرد ضعیف اقتصادی به تغییر یا سرنگونی مصرتر کرده، اگرچه از جانب دیگر نقض مداوم حقوق زنان، جوانان و ملت های تحت ستم و تحمیل فقر و سیه روزی به کارگران و مزدبگیران، سیستم را با ابراز مخالفت های وسیعی روبرو ساخته، و هر چند کردارهای هدفمند

مواجهه حاکمیت با ناراضیاتی های رو به تزاید شهروندان جوان ایران اعم از کارگر، بیکار، دانش آموز و دانشجوی و غیر قابل کنترل بودن اعتراضات آنان، رژیم و دار و دسته اش را به هول و هلا واداشته تا از هر راه ممکن برآیند انقلابی این قشر را منکوب کنند. پناه بردن به محیط های علمی، توسل به مدرسین و اساتید دانشگاه ها و برگزاری کنفرانس ها یا همایش هایی حول واریسی زندگی مشقت بار جوانان که آخرین نمونه آن در دانشکده «علوم اجتماعی» دانشگاه تهران براه افتاد، تحرک جدید صاحبان قدرت در ایران بمنظور پیش گیری از خیزش های آتی دانشجویان و جوانان است.

در همین زمینه، و برای نمونه سخنان دو تن از نخبگان نظام و فعالیت یک نهاد حکومتی را نقل خواهیم کرد.

سند سلامت «سازمان ملی جوانان» یکی از این اقدامات بشمار می آید. تم های این سند شامل برنامه هایی از قبیل تأمین سلامت جسمانی، روانی، معنوی و اجتماعی جوانان می باشند! چندی قبل «محمد جواد حاج علی اکبری»، رئیس سازمان فوق الذکر ضمن ابلاغ این خبر افزود: «پس از اتمام رایزنی های لازم با دستگاه های مرتبط و استماع نظرات دست اندرکاران این سازمان ها، سند نهائی را منتشر می سازیم.»

سال هشتاد و شش، خانم «الهه کولایی» چهره اصلاح طلب، عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت و استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در چهارمین اردوی «شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی» در مازندران گفت: «

بباید نقش جوانان را پر رنگ تر کنیم و از تجربه گذشتگان بهره ببریم.» «هاشمی رفسنجانی» رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان در دیدار خود با جمعی از جوانان و مسئولان احزاب «اعتماد ملی، مشارکت، موفتله، اعتدال و توسعه و خانه کشور» در سال ۱۳۸۶ اظهار نمود: «جوان در هر جامعه ای نقش اساسی دارد.» هاشمی رفسنجانی در بخش دیگری از سخنرانی گفت: «جوانان ایران اسلامی در آزمون های مختلف ثابت کرده اند که استعداد های بسیار بالائی دارند.» نامبرده عنوان کرد: «جوان تحصیل کرده امروز، مدیر و متخصص فردای جامعه است و باعث استقلال واقعی کشور می شود.»

چنین سخنانی تنها به معتدلین، رفرمیست ها یا پراگماتیست های واقع گرای جمهوری اسلامی محدود نمی شود و اشخاص طراز اول اصولگرایان هم به مناسبت های گوناگون در جمع بسیجی ها و دانشجویان طرفدار این جناح، مدام سنگ جوانان را به سینه زده اند و هربار در نطق هایشان مخاطبین را به تمرین سیره و سلوک دوران جوانی شخصیت های اسلامی، و سرمشق قرار دادن آنها در طول عهد شباب توصیه می کنند!

در هر حال، از این نوع گفته ها یا عملکردهای رهبران و نهادهای جمهوری اسلامی مستفاد می گردد که رژیم

آنان در عرصه سیاست خارجی موجی از فشارهای بین المللی را برایشان دربرداشته، لیکن حکمرانان ایران در هر مقطعی به روش های زیرکانه با این بحران ها (درون

مرزی و برون مرزی) دست و پنجه نرم کرده اند. شعار بازسازی کشور بعد از جنگ یا برنامه رونق و توسعه بر پایه الگوی اقتصادی نئولیبرالیسم به هدف جلب سرمایه های داخلی و خارجی، طرح توسعه سیاسی، و مآلا شدت بخشیدن به فضای خفقان (آغاز موج دوم سرکوب و میلیتاریزه کردن جامعه) نقشه عمل های محافظه کاران و رفرمیست ها در داخل به جهت مقبولیت یافتن در میان کل طبقه بورژوازی، کنترل جنبش های رادیکال و زیر آب کردن صدای اعتراض توده ها تا به اینک بوده اند. در حوزه دیپلماتیک هم آنها با سیاست گردنکشی و یا نرمش، در مقابل تهدیدها و مواضع تند اروپائیان و ایالات متحده آمریکا بر سر موضوعاتی نظیر عدم رعایت و احترام به میثاق های بین المللی حقوق بشر، فضولی در مسائل منطقه، و مسئله هسته ای بخوبی مقاومت کرده اند. هر وقت اینان وضعی از رقبا دیده اند روی گرفتن امتیازاتشان پافشاری کرده اند و هر زمان احساس خطر کرده اند، وارد مذاکره شده اند. «غربی ها از این همه رندی دست پرورده های سابق خود مات

به خود می دهند، حالت مدعی العموم را بخود می گیرند و در جامه مدافعين مطالبات این قشر درمی آیند. خروار خروار قول بی پایه و اساس، هزاران هزار جمله فریبنده، و دهها تجمع و سمینار ترتیب می دهند تا خیال واهی خود جوانان را به پای صندوق ها بکشند و بفع شان رأی بدهند و بدین نحو شعله های آتش مبارزات جوانان را با یک مشت حرف های دروغ فرو بنشانند. جای هیچ بحثی نیست این اقدام اخیر رژیم (بخدمت گرفتن جامعه شناسان و دانش آموختگان امور اجتماعی در پاسخگویی به مسائل جوانان) نیز در زمره همان فعالیت های قبلی آنهاست.



تعمیق آن ایده ها در جنبش های اعتراضی را فراهم نموده است. تار و پود تفکرات بخش چپ جنبش دانشجویی ایران به این عقاید مارکس تنیده شده که گفت: "پرولتاریا با سرنگون کردن قهر آمیز بورژوازی سلطه خویش را بنیان می گذارد." - "مشکل ساختن پرولتاریا به صورت یک طبقه، برانداختن سلطه بورژوازی، تصرف قدرت سیاسی به دست پرولتاریا" - "سوسیالیسم اعلام ادامه دار بودن انقلاب است؛ نقطه گذار ضروری است بسوی از میان بردن کلیه تمایزات طبقاتی، از بین بردن کلیه مناسبات تولیدی که این تمایزات بر روی آنها بنا شده اند، از میان بردن کلیه مناسبات اجتماعی که منطبق بر

این مناسبات تولیدی هستند، و دگرگون کردن کلیه ایده هایی است که از این مناسبات اجتماعی نتیجه می شوند." و یا همانگونه مارکس و همزمش انگلس در تشریح و ترسیم مختصات انقلاب در مانیفست کمونیست آوردند: "انقلاب کمونیستی ریشه ای ترین گسست از هر گونه مناسبات سنتی در عرصه مالکیت است؛ پس شگفت آور نیست که این انقلاب در جریان تکامل خود از تفکرات سنتی به ریشه ای ترین نحو بگسلد." این چنین است شالوده های فکری این نسل.

گردآوری یک عده جامعه شناس و استاد دانشگاه به امید اندیشیدن تدابیری کارساز و احتمالا اختصاص مبالغ محدود و ناچیزی از درآمدهای ملی کشور به ازدواج، اشتغال و... آنهم با گذاشتن دهها شرط و شروط، بصورت موقتی و تنها بخاطر آرام کردن امواج اعتراضی جوانان، سیاست مکارانه ایست که مطمئنا توسط فعالین چپ و سوسیالیست جنبش دانشجویی افشا خواهند گردید.

ناگفته نگذاریم، از نیمه دوم دهه هفتاد تاکنون هر یک از نامزدهای جناح های رژیم هنگام رسیدن موعد رقابت های انتخاباتی برای معطوف ساختن نظرات جوانان به سوی خود و کسب آراء آنان لقب سخنگویان جوانان را

و شهرهای دیگر نمی گذرد و بسیاری از این مبارزین حق طلب در زندان ها و سیاه چال های جمهوری اسلامی زیر سخت ترین شکنجه ها قرار دارند.

بخود آمدن هر یک از جناح های حاکمیت و سلسله اقدامات شان به قصد مهار مبارزات رو به گسترش دانشجویان و جوانان از کانال برآورد کردن پاره ای از خواسته های این قشر عظیم اجتماعی حامل این واقعیت عینی است که جمهوری اسلامی در یک دهه اخیر بویژه از سال ۱۳۸۴ شمسی، سیگنال های تند و گردباد قیام نهائی نسل جوان کشور را گرفته است. عبارت دیگر ریشه دواندن تفکرات سوسیالیستی در میان جوانان مبارز، و پیکار بدون وقفه و پرشور ایشان علیه نابرابری ها، بی عدالتی ها و لگدمال گشتن حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی مردم، بنای تحرک جدید رژیم اسلامی را نهاده است.

پروسه موجودیت یافتن بخش چپ و رادیکال جنبش دانشجویی در صحنه سیاسی جامعه و در مصاف با لیبرال ها و دفتر تحکیم، پیوند نسبی آن با جنبش های توده ای خصوصا جنبش کارگری، تعمیق جدل ها و مباحثی در رابطه با تعریف چپ (چپ رادیکال، چپ کارگری و رادیکال کارگری) با هدف مشغول شدن به فرعیات و روشن نساختن مضامین که اساسا به قصد چالش با لیبرالیسم و نئو لیبرالیسم، ممانعت از دامنه دار شدن تعاریف التقاطی و ناصحیح از علم مارکسیسم، در پیش گرفتن تئوری انقلابی، مشخص کردن هویت سیاسی و در یک کلام مرزبندی با چپ رفرمیست آغاز گشته، واقعی ترین دلایل برآشفتگی رژیم، اپوزیسیون بورژوازی آن و حتی قدرت های امپریالیستی است.

رجعت بخش چپ جنبش دانشجویی به مارکسیسم و پیروی از دیدگاه های انقلابی و رهنمودهای ماندگار کارل مارکس، انگلس و لنین موجبات تلاش دستگاه حاکم را در جلوگیری از شیوع افکار دانشجویان چپ و سوسیالیست در بین جمعیت جوان کشور و بستن مسیر

آوریل ۲۰۰۸

## انفجار هم لئاک در شیراز



شنبه شب ۲۶ فروردین ۱۳۸۷، انفجار مهیبی در مرکز فرهنگی شیراز روی داد، مقامات حکومت اسلامی و کارشناسان آن، اظهارنظرهای ضد

و نقیض متفاوتی در این مورد اعلام کرده اند. بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده از سوی مقامات حکومتی، شمار تلفات انفجار شنبه شب در یک حسینیه در شیراز به ۱۲ کشته و ۲۰۲ زخمی رسیده است. تاکنون هیچ گروهی مسئولیت انفجار مذکور را به عهده نگرفته و مقامات حکومتی نیز اعلام کرده اند که هیچ فردی در این رابطه بازداشت نشده است.



## سال ۱۳۸۶، دست کم ۳۱۷ نفر در ایران اعدام شدند

سازمان عفو بین الملل، روز دوشنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۸۷ برابر با ۱۴ آوریل ۲۰۰۸، با انتشار گزارشی اعلام کرد در چین هر روز به طور متوسط ۲۲ نفر اعدام می شوند. این سازمان از ورزشکاران و شرکت کنندگان در بازی های المپیک پکن خواست بر مقامات چین فشار بیش تری وارد کنند تا شاید این کشور مجازات اعدام را لغو کند. عفو بین الملل، در گزارش خود نوشت چین از نظر اعدام در رتبه نخست قرار دارد و از این نظر مدال طلا را به خود اختصاص داده است.

این سازمان گفت بر اساس اطلاعات موتقی که در دست دارد، دولت چین هر روز به طور متوسط ۲۲ زندانی را اعدام می کند و این بدان معناست که در طول بازی های المپیک ۲۰۰۸، این کشور حدود ۳۷۴ نفر را اعدام خواهد کرد. سازمان عفو بین الملل، در گزارش خود از حکومت اسلامی نیز به عنوان حکومتی که بیش ترین اعدام ها را پس از چین به اجرا می گذارد، نام برده است. در سال ۲۰۰۷ بیش از ۳۰۰ نفر در ایران اعدام شدند. آمار اعدام ها در ایران در سال ۲۰۰۷ نسبت به سال قبل از آن تقریبا دو برابر شده است. این آمار تنها مواردی را شامل می شود که از سوی رسانه های حکومتی رسما اعلام شده و آمار واقعی اعدام ها در ایران بیش از این ها است.

## چرا باید دوباره به نقد سرمایه داری دولتی پرداخت؟

شوروی، انقلاب اکتبر چین به بیراهه نمی رفت. در حالی که تروتسکی تنها به نقد رونیای سیاسی و به قول خودش "کاست بوروکراتیک" استالین و شرکا دست زد و نه مناسبات تولیدی. تروتسکی حکومت شوروی را کارگری و مناسبات را سوسیالیستی می دانست و پیروان مشی او نیز تا به آن جا رفتند که کشورهای بلوک شرق را نیز با چنین تحلیلی بررسی می کردند. برخی دیگر با رویکردی ظاهرا رادیکال قصد دارند تا با احیای مشی چریکی به نقد سیاسی فرهنگی ارستو چه گوارا از شوروی اتکا کنند و نهایتا عده ای دیگر با گرایش به یکی از سه جریان عمده "کمونیست کارگری" به سوسیالیسم رو می کنند. در حالی که از نقد منصور حکمت در سال های حضورش در حزب کونیست ایران و کلیه مباحث بولتن ضمیمه بی خبرند و حتی عده ای از فعالان این طیف از شدت ناآگاهی شوروی را سوسیالیستی قلمداد کرده و فروپاشی آن را نتیجه اشتباهات حزب کمونیست حاکم در آن کشور می دانند. البته مراجعه این دوستان به سایت مجموعه آثار منصور حکمت نیز بی فایده است چرا که در آن جا تنها با آن بخش از بولتن مواجه می شوند که پاسخ های او به ایرج آذرین و رفیق شهید غلام کشاورز درج شده است. در حقیقت با شیر بی یال و دم و اشکم! و از مباحث سرمایه داری دولتی چیزی دستگیرشان نمی شود.

این دیدگاه ها در نسل چپ امروز مشخصا از عدم آگاهی مباحث در جریان جنبش در ۳۰ سال اخیر سرچشمه می گیرد. مباحثی که عملا در دنیا از دهه ۶۰ قرن بیستم آغاز شد و من در این جا به طور خیلی خلاصه به آن اشاره می کنم.

در سال ۱۹۶۸ اتحاد شوروی، بر اساس مفاد قرارداد ورشو به خود اجازه داد تا به خاک چکسلواکی حمله کند و ضمن برکناری حکومت انتخابی از سوی مردم به سرکوب مخالفان حزب به اصطلاح کمونیست آن کشور بپردازد. اشغال چکسلواکی مباحث مهمی را که در بین مارکسیست های دنیا بود را شدت بخشید و دامن زد. از دل این مباحث ۲ نقد عمده بیرون آمد: ۱- نقد پل سوییزی و گروه نشریه مارکسیستی مانتلی ریویو ۲- نقد شارل بتلهایم

دیدگاه اول شوروی را "سوسیالیسم موجود" (و نه واقعی) قلمداد می کرد و بر مناسبات تولید و توزیع در این جامعه نقد مشخصی را وارد می ساخت. سوییزی شوروی را جامعه ای غیرانقلابی (به دلیل شکاف بین قشر حاکمیت حزبی با توده زحمتکش) و مصرف گرا ارزیابی می کرد. دیدگاه دوم شوروی را "سرمایه داری دولتی" می دانست و از پایه تئوریک متمایل به چین به این بحث می پرداخت. بتلهایم اقتصاددان مارکسیستی بود که در دهه ۳۰ قرن بیستم در شوروی زندگی کرده و بعدا الگوی چین را در مورد رسیدن به سوسیالیسم مورد تایید قرار داده بود. او اعتقاد داشت طبقه کارگر در شوروی طی دو مرحله نبرد طبقاتی از سرمایه داری این کشور شکست خورده و بورژوازی دولتی با انحصار ابزار تولید و نیروی کار کارگران قدرت خود را مستقر کرده است. ←

در اسفند ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و فروردین ۱۳۶۷ منتشر شد. شرکت کنندگان در این بحث عبارت بودند از: ۱- رفیق جانبخته غلام کشاورز ۲- منصور حکمت ۳- ایرج آذرین ۴- رضا مقدم ۵- پرویز پ

مباحث مطرح شده در این ضمیمه در عین حال که به بررسی قدرت گیری سرمایه داری دولتی (بخوانید احیا سرمایه داری به شکل دولتی پس از انقلاب اکتبر) می پرداخت دیدگاه های درونی تک تک این رفقا را در این مورد مشخص و ارائه می نمود. ۳ سال پس از انتشار آخرین بولتن ضمیمه، اتحاد شوروی فرو پاشد و احزاب بااصطلاح کمونیست در این کشور و اروپای شرقی منحل شد. در آن زمان به دلیل قطع ارتباط جریانات چپ با داخل (از جمله حزب کونیست ایران) بسیاری با چنین دیدگاهی آشنا نبودند مگر آن طیف از فعالانی که در ارتباط با حزب قرار داشتند و یا پیشینه فعالیت در جریانات خط ۳ را داشته و تحولات آن ها را از انقلاب به بعد دنبال می کردند. اما در جبهه مقابل سرمایه داری جهانی و وطنی با در اختیار داشتن قدرتمندترین ارگان های تبلیغی چون رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و مجلات به چنان تبلیغ و شانناژ وسیعی دست زدند که در طول تاریخ تبلیغات بورژوازی بی سابقه بود. به طبع آن دسته از جریاناتی که به اتحاد شوروی توهم داشتند و آن را تنها نوع از سوسیالیسم می دانستند دچار بحران عظیمی شدند و به نوعی با این تبلیغ همراه گشتند: اولین دسته به نفی کامل سوسیالیسم و دستاوردهای انقلاب اکتبر پرداختند. دسته دوم مارکسیسم را رد کرده به سوسیال دموکراتیسم بی خطر اروپای روی آوردند. برخی نیز در عین باور به کمونیسم به تغییر در واژگان و ادبیات خود دست زده و واژگانی چون مارکسیسم و دیکتاتوری پرولتاریا را حذف کردند و دسته چهارم همچنان متعصبانه بر موضع دفاع از شوروی به عنوان تنها بدیل سوسیالیستی پای فشرده و فروپاشی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در شوروی را حاصل توطئه غرب و دستگاه های جاسوسی آن قلمداد کردند.

اما نقد پایه ای جریان "مارکسیسم انقلابی" و در راس آن حزب کمونیست ایران از شوروی به قوت خود باقی بود و دلایل فروپاشی اقتصادی و سیاسی شوروی را می شد از درون همین نقد جستجو کرد. با این تفاوت که این نقد به دلایل سیاسی و فنی حداقل در ایران ناشناخته مانده و سرکوب پلیسی از انتشار آن جلوگیری به عمل آورده بود.

از این وقایع و تحولات ۱۸ سال می گذرد و متأسفانه این ناشناختگی تا به آن جا پیش رفته که نسل جوان و طبقه کارگر که تمام بدیل های بورژوازی (لیبرالیسم، اصلاحات بورژوازی خاتمی و روشنفکری دینی بازرگان ها و سروس ها) را به چشم دیده و رو به سوی انسانی ترین راه حل بری (سوسیالیسم) کرده در تحلیل تجربه شوروی با مشکل مواجه است. بخشی از این نسل به ناچار به تحلیل تروتسکیستی روی آورده و تصور می کند با باقی ماندن لئون تروتسکی و جناح او در حزب کمونیست

۱۸ سال چون باد گذشت. ۱۸ سال از روزی که میخایل سرگیویچ گورباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی انحلال حکومت ایدئولوژیک را در این کشور رسماً اعلام کرد. ۱۸ سال از جشن و پایکوبی سرمایه داری خصوصی با این مضمون که: "سوسیالیسم شکست خورد"، "سوسیالیسم به بن بست رسید"، و صدا و سیما جمهوری اسلامی با هدایت مستقیم "سعید امامی" معاون امنیتی وزارت اطلاعات بلافاصله برنامه تلویزیونی پر از تحریف و دروغ "اضمحلال سوسیالیسم" را بر پرده های تلویزیون آورد، می گذرد.

سال ها پیش از فروپاشی در هنگامی که بزرگترین کشتار و سرکوب چپ ها در ایران رخ می داد، حزبی بنیان نهاده شد که با استناد به متون پایه ای مارکسیستی و اتکا به نقد تحولات تاریخی و سیاسی در اتحاد شوروی و بلوک شرق ثابت می کرد آنچه حدود ۷۰ سال بر این کشورها حاکم بود نه سوسیالیسم بلکه مناسبات تولیدی "سرمایه داری دولتی" بوده است. ارائه چنین دیدگاهی از سوی یک حزب که در زمان خود بزرگترین حزب و سازمان کمونیستی محسوب می شد، امر کوچکی تلقی نمی گردید. چرا که این دیدگاه پاسخی بود به صدها سوال بی جواب کمونیست ها و فعالان چپ و کارگری در ایران: مگر شوروی سوسیالیستی نیست، پس چرا واردات و صادرات در آن کشور مانند کشورهای سرمایه داری است؟ چرا شوروی به افغانستان حمله می کند و مانند برخورد آمریکا با ویتنام آن جا اشغال نظامی می کند؟ چرا شوروی به مجارستان و چکسلواکی لشکر کشی کرد؟ چرا استالین بهترین و قدیمی ترین کادرهای کمونیست اهل شوروی و ایران و لهستان را در تصفیه های سال ۱۹۲۸ قتل عام کرد؟ چرا شوروی، حزب توده و سازمان اکثریت، خمینی و جمهوری اسلامی را مترقی و ضد امپریالیستی می دانند و از آن ها پشتیبانی می کنند؟ دلیل روابط حسنه چین، کوبا و شوروی با جمهوری اسلامی چیست؟ مبادلات کالایی وجه ممیزه نظام سرمایه داری از سوسیالیسم است، چرا در شوروی این مبادلات به شدت رایج است و پایه مناسبات تولید - توزیع آن را تشکیل می دهد؟ ...

این ها بخش کوچکی از صدها سؤال مهم بود که ذهن چپ ایران و مخصوصا نسل جوان آن دوران را به خود مشغول کرده بود. در چنین شرایطی در شهریور ماه ۱۳۶۲ "حزب کمونیست ایران" با تشکیل خود به صراحت و روشنی به این صدها سؤال پاسخی عینی و منطقی داد. نقد شوروی و مناسبات حاکم بر آن که ۷۰ سال به عنوان تنها بدیل سرمایه داری در سراسر دنیا مطرح شده بود مقوله های نبود که با یک جزوه یا یک مصاحبه ساده بررسی شود. به همین دلیل کادرهای مجرب و تئوریک حزب از سال ۱۳۶۴ اقدام به برپایی میزگردی در این رابطه نمودند. نتیجه مباحث این میزگرد با عنوان "مارکسیسم و مسئله شوروی" به صورت ضمیمه در نشریه "به سوی سوسیالیسم" ارگان تئوریک حزب کمونیست ایران به چاپ رسید. این ضمیمه

## چند خبر در رابطه با جنبش کارگری ایران

وحشیانه نیروی انتظامی در بازداشت کارگران برای آزادی آنان در مقابل پاسگاه احمدآباد مستوفی تجمع کردند. خانواده های کارگران بازداشتی لاستیک البرز ابتدا در مقابل دادگاه چهاردانگه و سپس در مقابل پاسگاه احمدآباد مستوفی دست به تجمع زدند. تجمع این افراد در مقابل پاسگاه ادامه داشته و خانواده های کارگران خواستار آزادی بی قید و شرط دستگیرشدگان هستند.



### اعتصاب گسترده هژران

#### کارگر در خوزستان

در حالی که اعتصاب هزاران کارگر شرکت نیشکر هفت تپه در شهر «شوش» در استان خوزستان، روز شنبه ۲۴ فروردین ماه وارد هفتمین روز خود شد، کارگران شرکت های طرح های توسعه امیر کبیر و زعبل غذایی خوزستان نیز دست به اعتراض زده اند.

بیش از ۳ هزار کارگر قسمت های مختلف شرکت نیشکر هفت تپه از صبح روز شنبه ۲۴ فروردین ماه در مقابل دفتر مدیریت شرکت دست به تجمع زده و خواستار پرداخت حقوق معوقه و پاداش سال گذشته خود شده و بر ادامه اعتصاب تا دستیابی به خواست هایشان تاکید کردند.

از سوی دیگر کارگران شرکت «نیشکر زعبل غذایی» که در مسیر شوشتر - اهواز واقع شده است نیز ۳ ماه حقوق و پاداش سال گذشته خود را دریافت نکرده و دست به اعتراض زده اند، ضمن این که کارگران شرکت «طرح های توسعه نیشکر امیر کبیر» واقع در دشت آزادگان نیز اعلام کرده اند در صورتی که عیدی و پاداش سال گذشته خود را دریافت نکنند، دست به اعتراض خواهند زد.

گفته شده است که با توافق بین کارگران هفت تپه، هیات مدیره شرکت و برخی از مدیران شوش اعتصاب کارگران هفت تپه پایان یافت و صبح روز دوشنبه ۸۷/۱/۲۶ کارگران به سر کار خود رفتند.

کارخانه را تخریب و وارد محوطه شده و با توسل به خشونت کارگران اعتصابی را مورد ضرب و شتم قرار داده اند.

به گزارش رادیو برابری، در گفتگو با یکی از کارگران معترض لاستیک البرز (۲۵ فروردین ۱۳۸۷)، نیروی انتظامی برای در هم شکستن مقاومت کارگران ضمن تخریب دیوارهای کارخانه با بولدوزر، بیش از ۱۰۰۰ کارگر را دستگیر کرد. به گفته این کارگر که همراه با چند نفر دیگر توانست از چنگ نیروی انتظامی بگریزد، ماموران نیروی ویژه انتظامی پس از ریختن دیوار کارخانه و هجوم به داخل شرکت، کارگران را ضرب و شتم و دستگیر کرده و آنان را گروه گروه سوار اتوبوس کرده و با خود به سمت کرج بردند.

بیش از ۲ هزار کارگر کارخانه کیان تایر که حدود ۵ ماه حقوق معوقه خود را دریافت نکرده اند از روز چهارشنبه ۲۱ فروردین ماه دست به اعتصاب زده بودند.

آنان با آتش زدن مواد زائد و لاستیک های بی استفاده، مسیر رفت و برگشت جاده تهران - اسلامشهر را بستند.

آغاز اعتراض کارگران لاستیک البرز



به اوائل زمستان سال ۸۶ باز می گردد، زمانی که این کارگران در اعتراض به اتمام مواد اولیه تولید، تصمیم کارفرما مبنی بر اعلام انحلال کارخانه و ۴ ماه عدم دریافت حقوق نزدیک به ۲۰ روز اعتصاب شبانه روزی کردند.

سایت دسترنج، دوشنبه، ۲۶ فروردین ماه ۱۳۸۷ برابر با ۲۰۰۸، نوشت: ۶ مامور آتش نشانی به جرم اقدام حمایتی از کارگران لاستیک البرز و خودداری از ریختن آب جوش بر سر کارگران در بازداشتگاه بسر می برند. این ماموران آتش نشانی در سرپیچی از دستور یگان ویژه از ریختن آب جوش بر سر کارگران معترض لاستیک البرز خوداری کرده و آب را بر روی آسفالت ریختند. بنابراین گزارش این ماموران بیش از ۴۸ ساعت است که در بازداشتگاه احمدآباد مستوفی بسر می برند. هم زمان خانواده های کارگران بازداشت شده لاستیک البرز در اعتراض به اقدام

در حالی که گرانی و تورم در ایران کمرشکن شده است و دستمزدهای ناچیز نه تنها کفاف زندگی مزدبگیران را نمی دهد، بلکه همین دستمزدهای بخور و نمیر نیز به موقع پرداخت نمی گردد. روزنامه تهران روز دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۸۷، گرانی نان در کشور را مورد توجه قرار داده و نوشته است: «در سکوت مسئولان نان گران شد.»

بنا به نوشته «اعتماد ملی»، روزنامه مهدی کروی، رییس سابق مجلس شورای اسلامی ۱۴ آوریل ۲۰۰۸، «هر قرص نان لواش بسته به نوع نانوائی و مکان آن که در سال ۸۶ بین ۱۲ تا ۲۰ تومان قیمت گذاری می شد، در سال جدید با قیمت ۲۰ تا ۳۰ تومان فروخته می شود. قیمت انواع نان سنگک که در سال گذشته ۷۵ تا ۱۵۰ تومان بود، در سال جدید ۱۰۰ تا ۲۰۰ تومان برآورد می شود. ضمن اینکه نان بربری از ۱۰۰ تومان به ۱۵۰ تومان افزایش قیمت یافته است.

به نوشته تهران امروز، «با آغاز سال جدید موج تازه گرانی، کالاهای اساسی را نیز در بر گرفته و در حالی نان، به عنوان یک کالای استراتژیک افزایش قیمت را تجربه می کند که مسئولان وزارت بازرگانی حاضر نیستند به طور رسمی رای به گرانی نان دهند.»

کارگران ایران، در مقابل این همه بی حقوقی و سرکوب وحشیانه مامورین امنیتی و ضد شورش حکومت اسلامی، ساکت ننشسته و به اعتراضات بر حق خود، برای دست یابی مطالبات شان بر علیه سرمایه داران و حکومت حامی سرمایه، مبارزه طبقاتی خود را با اعتراض و اعتصاب پیش می برند.

برای مثال، ماموران یگان ویژه ضد شورش حکومت اسلامی، عصر روز شنبه



۲۴ فروردین ۸۷، وارد کارخانه کیان تایر (لاستیک البرز) سابق شده و کارگران اعتصابی این کارخانه را به شدت سرکوب کردند.

گزارش ها حاکی از آن است که ماموران سرکوبگر حکومت اسلامی، دیوارهای

این دیدگاه عملا در سال های ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۷ از سوی شارل بتلهایم بی ریزی شد و در سال ۱۹۷۴ با انتشار کتاب «مبارزه طبقاتی در شوروی» به زبان فرانسوی و ۱۹۷۶ به زبان انگلیسی به تئوری پایه ای نقد مارکسیستی تبدیل شد. (این کتاب برای اولین بار به ترجمه خسرو مردم دوست توسط انتشارات پژوهاک در سال ۱۳۵۸ در ایران به چاپ رسید).

در سال ۱۳۵۹، با اوج گیری بحران چپ سنتی و شروع سرکوب پلیسی، جریان مارکسیسم انقلابی در سازمان های خط ۳ و بعضا جریانات منشعب از چریکهای فدایی خلق شکل گرفت. مبنای این جریان دقیقا نقد سرمایه داری دولتی و سازمان ها و گروه های چپ غیرمارکسی (سوسیال خلقی اعم از چریکی و مائویستی) بود. این جریان یک پروسه ۳ ساله را طی کرد تا در شهریور ۱۳۶۲ حزب کمونیست ایران از دل آن بیرون آمد. اما تئوری پایه ای مارکسیسم انقلابی تنها به الگو برداری و تکرار نظریات شارل بتلهایم نپرداخت، بلکه با نقدی مجدد به یک سری از مباحث اقتصاد سیاسی و شکل سرمایه داری دولتی و نوع استثمار آن این مقوله را بررسی کرد.

نقد شوروی در شرایط کنونی نه تنها «چوب زدن بر مرده» نیست، بلکه به نوعی نقد نظام سرمایه داری خصوصی حاکم در دنیا نیز محسوب می گردد. چرا که در شرایط کنونی امپریالیسم با تکیه بر ضعف حافظه عمومی و با استفاده ماهرانه از تبلیغات سعی می کند تا تجربه شکست خورده شوروی را تنها تجربه تاریخی استقرار سوسیالیسم و به دست گیری قدرت توسط طبقه کارگر در جهان جا بزند. طبیعی است اگر واقعیت موجود در تاریخ انقلاب اکتبر، برنامه نپ، به قدرت رسیدن جناح راست در حزب کمونیست شوروی، تحلیل رفتن قدرت شوراها و در یک کلام شکست طبقه کارگر شوروی در مبارزه طبقاتی بررسی و به توده ها ارائه نشود، سرمایه داری در این نبرد ایدئولوژیک پیروز می گردد. بررسی و نقد پایه ای شوروی و بلوک شرق تنها روش مشخص مارکسیستی در شرایط کنونی است که می تواند به صدها سؤال نسل امروز و کارگران مبارز و تشنه حقیقت کمک نماید. پس بیاییم چهره واقعی سرمایه داری را افشا کنیم.

## آزادی محمود صالحی را تبریک می گوئیم!

با نهایت خوشحالی مطلع شدیم، محمود صالحی پس از یک سال و اندی رنج و مرارت ناشی از وضعیت وخیم جسمانی، پیرومندانه از زندان آزاد شده است. مقاومتی که محمود صالحی در طول مدت محکومیت خویش از خود نشان داد، برای ما کارگران و فعالان کارگری مثال زدنی است. ایشان به ما و دیگر فعالان نشان داد، که می توان در شرایط بسیار طاقت فرسا نیز از منافع کارگران دفاع کرد. آزادی محمود صالحی، پیروزی جنبش کارگری و موجب سرفرازی فعالین کارگری است. ما آزادی وی را به خانواده محترم ایشان، به ویژه خانم نجیبه صالح زاده و کارگران جهان تبریک گفته و آرزومند سلامتی محمود صالحی، این مدافع سرسخت گارگران هستیم.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه  
۲۵/۱/۱۳۸۷

## پیام تبریک سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به مناسبت آزادی محمود صالحی!

محمود صالحی عضو سابق سندیکای کارگران خباز شهر سقز به دلیل اقدام به برگزاری مراسم اول ماه مه در شهر سقز، در سال گذشته بنا به حکم دادگاه انقلاب این شهر بیش از یک سال زندان را تحمل نمود، امروز یکشنبه مورخه ۱۳۸۷/۱/۱۸ ساعت ۱۵ با قرار وثیقه ۴۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد. این آزادی را به کارگران ایران و جهان، خانواده و تمام فعالین کارگری تبریک می گوئیم، امیدواریم هر چه زودتر شاهد آزادی آقای منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد نیز باشیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی  
تهران و حومه  
۱۸/۱/۱۳۸۷

## از سایت های حزب کمونیست ایران و کومه له دیدن کنید!

سایت حزب کمونیست ایران



www.cpiran.org

سایت کومه له



www.komalah.org

سایت تلویزیون کومه له



www.komala.tv

شعری از برتولت برشت،  
ترجمه احمد شاملو

راستی را...

راستی را که به دورانی سخت ظلمانی عمر می گذاریم  
کلمات بی گناه  
نابخردانه می نماید

پیشانی صاف  
نشان بی عاریست

آن که می خندد  
هنوز خبر هولناک را  
نشنیده است

چه دورانی!  
که سخن از درختان گفتن  
کم و بیش  
جنایتیست.  
چرا که از این گونه سخن پرداختن

در برابر وحشت های بی شمار  
خموشی گزیدن است!

...

## جهان امروز

نشریه سیاسی  
حزب کمونیست ایران  
سرمدین: هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می شود!

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب جهان امروز با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام جهان امروز امضا شده باشد، موضع رسمی نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۳ است.

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S  
53682990054



# JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 2018 127 02 Skärholmen SWEDEN

Editor: **Halmat Ahmadian**

ha@cpiran.org

15 April 2008 NO: **205**



## زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر است. کارگران جهان در این روز به میدان می آیند تا به نمایش اتحاد و یکپارچگی صفوف خود و با سر دادن سرود انترناسیونال، دورنمای پیشروی سوسیالیسم و پایان ستم و بردگی نظام سرمایه داری را به بشریت نوید دهند. حضور شکوهمند و قدرتمند طبقه کارگر در این روز می تواند پیشروی جنبش سوسیالیستی را در مقابل بربریت سرمایه داری تضمین کند.

**پیش بسوی برگزاری هر چه شکوهمندتر روز جهانی کارگر**

مناسبت اول ماه مه تدارک و فراخوان داده که به ترتیب زیر است:  
اولین جشن روز جمعه ۲ مه از ساعت ۶ بعدازظهر تا ۱۰ شب که شامل پیام، شعر، سرود، نمایش فیلم و موزیک در Granville Youth&Community Centre خواهد بود.

دومین جشن روز یکشنبه ۴ مه از ساعت ۵ بعدازظهر تا ۱۰ شب که شامل نمایشگاه عکس، سرود و موزیک زنده یونانی، کردی و انگلیسی و عربی و پیام احزاب و سازمانها در Greek Community Club خواهد بود.  
همچنین روز شنبه ۳ مه ساعت ۹،۵ صبح تظاهراتی به این مناسبت در Outside the ALP State Conference برگزار می شود.

# تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران در شهر اسپو فنلاند مراسمی را در روز شنبه ۵ مه از ساعت ۱۷ تا ۲۴ در Keskiväinukuja 4 - Espoo که شامل پیام، شعر، سرود و برنامه هنری خواهد بود برگزار می کند.

اطلاعات بیشتر در مورد فعالیت های در دستور تشکیلات خارج کشور را می توانید در سایت حزب کمونیست ایران و کومه له دریافت دارید.

**چند مورد برنامه ویژه اول ماه مه که تاکنون از طرف تعدادی از تشکیلات های حزب کمونیست ایران در خارج کشور اعلام شده است!**

# تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران در شهر استکهلم سوئد علاوه بر برنامه ویژه این روز که شامل راهپیمایی و پیکت در روز اول ماه مه خواهد بود، جشنی را در ساعت ۶ بعدازظهر روز شنبه ۲۶ آپریل در Skärholmens gymnasium Bredholstorget 4 تدارک دیده است.

# تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران در شهر گوتنبرگ سوئد، سمینار و مراسم ویژه ای را در روز شنبه ۲۶ آپریل به مناسبت روز اول ماه مه فراخوان داده است. سمینار کارگری و پرسش و پاسخ با شرکت محمود قهرمانی و بیژن خوزستانی از ساعت ۱۵ تا ۱۸ بعد از ظهر خواهد بود و بخش دوم برنامه شبی شاد شامل شعر و موزیک از ساعت ۱۹ تا ۲۴ شب در سالن مرکز ثقافت عراقی در Bellevue یک ایستگاه بالاتر از SKF می باشد.

# تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران در سیدنی استرالیا برنامه هایی را به

## آدرس های حزب کمونیست ایران و کومه له

نماینده کومه له در خارج کشور

K.K.  
P.O.Box 75026  
750 26 Uppsala  
Sweden  
Fax: +46-18-46 84 93  
komala@cpiran.org  
Tel: +44 -7746163103

دوشنبه و جمعه  
ساعت ۱۹ تا ۲۲ به وقت اروپا

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I  
Box 2018  
127 02 Skärholmen  
SWEDEN  
Tel +46-08-86 80 54  
cpi@cpiran.org

نماینده کومه له در  
سلیمانیه  
کمیته مرکزی کومه له  
Tel: 3124760 - 3125815  
Tel: 00442081441539

کمیته خارج کشور  
حزب کمونیست ایران  
+46-707 254 016  
kkh@cpiran.org

مدای مزب کمونیست ایران

شب ها: ۲۰ تا ۲۱  
صبح جمعه ها: ۸ تا ۹  
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلومتر  
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلومتر  
۴۹ متر برابر ۶۴۳۰ کیلومتر

مدای انقلاب ایران (راديو کومه له)

ظهرها: ۱۳ تا ۱۴ عصرها: ۱۹ تا ۲۰  
شب ها: ۲۲ تا ۲۲،۳۰  
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلومتر  
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلومتر  
۴۹ متر برابر ۶۴۳۰ کیلومتر